

سکه‌شناسی و تصحیح متون

محسن جعفری مذهب*

چکیده

با توجه به دغدغه نگارنده در بهره‌گیری از دانش سکه‌شناسی برای استفاده در تصحیح متون کهن، وی در بخش اول مقاله مواردی را که متون به سکه و سجع پرداخته‌اند به چهار شکل ارائه می‌دهد که عبارتند از: سکه و خطبه به عنوان نشانه سلطنتی و حکومت مستقل - ضرب سکه برای اعلام تابعیت - اشاره به سجع و نیز به جنس و یا وزن سکه. در بخش بعدی به ده مورد از مفروضاتی که بر واقعیت و یا حقیقت سجع سکه در متون کهن و نیز تجربه موزه‌داری نظر دارد، اشاره می‌کند. در پایان به مواردی از سجع مهر و طغرا در چندین کتاب نشر یافته می‌پردازد تا بدین طریق الزام شناخت و استفاده از آنها را برای مصححین یادآور شود.

کلیدواژه: سکه‌شناسی، تصحیح متون، متن و تجربه موزه‌داری، سجع مهر و طغرا.

بهره‌گیری از دانش سکه‌شناسی در تاریخ و تصحیح متون تاریخی و حتی غیر تاریخی، از مدتها پیش دغدغه من بوده،^۱ و اینک نیز هست. نمی‌توان گفت که بی تفاوتی نسبت به دانش سکه‌شناسی، بویژه در تصحیح متون، سابقه‌ای طولانی دارد، زیرا بظاهر هرگز برسمیت شناخته نشده، یا اهمیت آن را در نیافته‌اند. اشارات به سکه و سجع آن در متون را به چهار صورت می‌توان یافت:

۱. اشاره به سکه و خطبه به عنوان نشانه‌های سلطنت و حکومت مستقل.

در توضیح باید گفت که از پیش از اسلام نشان سلطنت و حکومت مستقل دو چیز بود: «تاج» و «تخت». یعنی برای خبر از دست یافتن کسی به حکومت مستقل، می‌شد

گفت که «او به تاج و تخت دست یافت». و از سوی دیگر نشستن بر تخت زرین و نهادن تاج بر سر، نشان سرکشی و خودسری بود. البته ضرب سکه زرین، هم نشان سرکشی بود، اما جزو وسایل سلطنت بر شمرده نشده است. چه، کسانی مانند خسرو پرویز که بدلیل ضرب سکه جعلی بدست دشمنان، و نشان دادن به حاکم زمان (پدرش)، سرکش و دشمن معرفی نمایانده شدند. اما پس از اسلام که تاج و تخت کیان از میان رفت، نشانه حکومت مستقل، ضرب سکه زرین و خواندن خطبه در نماز جمعه بود. لذا «خطبه و سکه» جای «تاج و تخت» را گرفت.

پس از به قدرت رسیدن آل بویه، «تاج و تخت» که دو عنصر اصلی دولت کیان بود، مجدداً زنده شد، هرچند ارزش «خطبه و سکه» از بین نرفت. البته ارکان دیگری چون «چتر» که پیشتر این ارزش را نداشت هم در میان آمد. اما در حکومتهایی که ادعای حکومت اسلامی داشتند، همچنان «خطبه و سکه» نشان حکومت مستقل بود. گذاشتن تاج و عمامه مرصع، که در دولت صفوی زنده شد، با تاج نادری آمیخته شد و در دولت قاجار و پهلوی، باز هم «تاج و تخت» ارزش کهن را یافت.

بی تردید مردم نیز باید حاکم را برسمیت شناخته و از او حرف شنوی می داشتند؛ مردم باید قانع می شدند که حاکم در حکومت خود مستقل است و نام حاکم را در خطبه و بالای فرامین دولتی می شنیدند و می دیدند، اما در زندگی روزمره، عکس او یا نام او را بر سکه می دیدند و اطمینان قلبی می یافتند که از کسی اطاعت می کنند که در حکومت خود مستقل است. و این مهمترین جنبه درک حاکمیت برای اکثریت مردم بود.

تردید نیست که هر کسی که در خیال حکومت مستقل می افتاد، در گام نخست دست به ضرب سکه می زد تا هم همسایگان را از وجود خود آگاه، و هم اتباع را از استقلال خود مطمئن نماید. با اینکه این امر بدیهی و طبیعی می نماید، اما باید گفت که نباید به صرف به حکومت رسیدن کسی بدنبال سکه او بود. درست است که مورخان نیز عبارت «خطبه و سکه» را نشان آغاز حکومت هر مدعی آورده و در متون ثبت می کردند، اما تا نمونه موزه‌ای، ضرب سکه‌ای را تأیید نکند، باید در استناد ضرب آن احتیاط کرد.

این مقدمه مفصل از آن جهت آمد تا روشن شود که «صرف بهره‌گیری از عبارت خطبه و سکه در متون را نباید به تجربه‌ای موزه‌ای و نشانه‌ای سکه‌شناختی نسبت داد، مگر آنکه نمونه موزه‌ای آنرا تأیید کند».

۲. اشاره به ضرب سکه برای نشان دادن تابعیت

استناد به ضرب سکه برای نشان دادن تابعیت حاکمان و دولت‌ها باید با احتیاط باشد. برای نمونه بنگرید به نوشته رشیدالدین فضل‌الله در مکتوباتش^۲ که:
ملوک مصر و شام بعد از آنک داغ عبودیت^۳ بر جبین نهاده و کمر بندگی بر میان‌جان بستند، روی دراهم و دنانیر را بنشر مناقب و محامد او [= غازان محمود] سرافراز گردانیدند.

۳. اشاره به سجع سکه

در این مورد نمی‌توان به قاطعیت گفت و باید مطمئن شد که نویسنده در هنگام نگارش، نمونه سکه را روبروی خود داشته و نقل کرده است. ممکن است از حافظه یا منبع کتبی دیگری نقل کند، که در ادامه بیشتر شکافته خواهد شد.

۴. اشاره به جنس یا وزن سکه

که بیشتر قابل توجه و به نمونه موزه‌ای نزدیکتر است.

درباره واقعیت و حقیقت سجع سکه مندرج در متون تاریخی و کهن، می‌توان گفت که رابطه سجع سکه در «متن» و «نمونه موزه‌ای» را در فرضهای زیر می‌توان برشمرد:

۱. سجعی که در متن آمده و هنوز بر سکه‌ای یافته نشده است.
۲. سجعی که در متن آمده و بر سکه هم یافته شده است.
۳. سجعی که در متن آمده و با سجع یافته شده بر سکه تفاوت کمی دارد.
۴. سجعی که در متن آمده و با سجع یافته شده بر سکه تفاوت زیادی دارد.
۵. سجعی که در متن نیامده و بر سکه یافته شده است.
۶. سجعی فرضی که هنوز نه در متن و نه بر سکه یافته نشده است.
۷. سجعی فرضی که هنوز نه در متن و نه بر سکه یافته نشده است، اما در متون به ضرب سکه آن اشاره شده است.
۸. سجعی فرضی که هنوز نه در متن و نه بر سکه یافته نشده است، اما ترجمه آن در متونی مانند سفرنامه‌های بیگانگان آورده شده است.
۹. سجعی که بدلیل شباهت به دیگری نسبت داده شده است.
۱۰. سجعی که نام صاحب سکه در آن نیامده و بر اساس استنباط نویسنده، به حاکمی نسبت داده شده است.

سجج مهر نیز داستان دیگری دارد که باید با بهره گیری از دانش «مهرشناسی» در کشف آن کوشید و باید به این پرسش پاسخ داد که: «آیا می توان اثر آن مهر را بر سندی دید یا نه؟» طغرا نیز همین حالت را دارد و به دو حالت موجود در متن و نمونه آرشویی وجود دارد و مصحح از دانستن آن بی نیاز نیست.

در این نوشته، و برای نشان دادن اهمیت این مطالعه، تنها به چند نمونه از «ورود سجج سکه و مهر و طغرا»، در کتابهایی که بتازگی توسط مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده اند نگاهی می اندازیم. توجه به همه متون تاریخ ایران از نگاه سکه شناسی، مهرشناسی و سندشناسی، مجال وسیع می خواهد که خارج از حوصله نوشته حاضر است.

الف: در جواهر الاخبار پیر بوداق منشی،^۴ طغرا (سجج بالای سند) سلطان پیر بوداق چنین آمده است: «سلطان پیر بوداق یرلیغدین، ابونصر یوسف بهادر نویان سیوزیمیز» مصحح گرامی در پانویس خواننده را به مطلع سعدین عبدالرزاق سمرقندی تصحیح محمد شفیع^۵ ارجاع می دهد. اما در آنجا تنها درباره پیر بوداق و نه درباره سجج مهر او می خوانیم.

در همان کتاب (ص ۱۴۴) درباره شاه طهماسب صفوی آمده که:

سکه شهنشاهی به زر شاهی بر نام او زدند... و منشیان فرمان قضا جریان به تهنیت و مبارکی به القاب و طغرای پادشاه زمان و خسرو دوران زدند... البته از شاه طهماسب آنقدر سکه و سند مانده که به این اشاره ها استناد نشود.

ب: در کتاب زبور آل داوود^۶ هنگام اشاره به سید احمد پسر میرزا ابوالقاسم متولی، سجج سکه او را اینگونه آورده است:

سکه زد بر هفت کشور چتر شد چون مهر و ماه

وارث ملک سلیمان گشت احمد پادشاه

با آنکه هنوز از سید احمد سکه ای یافته یا شناسانده نشده، اما بنظر می رسد سجج این متن نادرست باشد. بیشتر رابینو^۷ و به نقل از تاریخ آل داوود (که ظاهراً همین کتاب زبور آل داوود است) متن زیر را آورده که درست تر می نماید:

سکه زد بر هفت کشور، چتر زر چون مهر و ماه
وارث ملک سلیمان گشت، احمد پادشاه

یا: (وارث ملک سلیمان گشت احمد، پادشاه)
در همان کتاب (ص ۹۰) نقش سکه شاه سلیمان دوم آمده:
گشت رایج به حکم لم یزلی سکه سلطنت بنام علی

ج: در کلیات نجیب کاشانی^۸ و در قطعات او، قطعه‌ای با عنوان تصحیح شده «در تاریخ
جلوس و سکه زدن شاه سلطان حسین» آمده:

سکه نو زد ز اقبال امام المشرقین
بنده شاه نجف، پیرو بحق، سلطان حسین
بهر زوار امام انس و جان در مشرقین
سکه خیرات چون خورشید زد سلطان حسین

امید است بیت نخست:

سکه نو زد ز اقبال امام المشرقین
بنده شاه نجف، پیرو حق، سلطان حسین
هرگز سجع آن سکه قرار نگیرد. علت بیان این آرزو آن است که بنوشته مصححان،
پیشتر، کاتبی مرتکب این اشتباه شده بود.

د: در نگاهی به کتاب مرآة واردات، به سجع سکه محمود افغان برخوردیم که در متن
آمده بود:

سکه زد در جهان پرغم حسود وارث ملک خسروی محمود
(ص ۱۴۴)

با سه دلیل این بیت و سجع سکه را می‌توان بصورت زیر تصحیح کرد:

- سکه زد در جهان به رغم حسود وارث ملک خسروی محمود
۱. تصحیح قیاسی: که این سجع با استفاده از حرف «پ» بی‌معنی می‌نمود.
 ۲. بهره‌گیری از متن: بدلیل آنکه در ص ۱۴۶ این بیت بصورت درست آمده بود و مصحح بر خلاف مورد پیشین، در حاشیه به این اختلاف اشاره نکرده بوده.
 ۳. وزن سجع: که با واژه «پرغم» به هر معنایی درست نمی‌آمد.

و شاید دلایل دیگری هم باشد، اما دلیل چهارم را ناشر در نظر آورده و «برغم» را به صورت «به رغم» چاپ کرده است که از عوارض ویراستاری نوین است. اما من بدنبال یک دلیل دیگر نیز بودم که متأسفانه نیافتیم، و آن یافتن نمونه موزه‌ای بود و اینکه آیا سکه‌ای به این سجع یافته شده، و در کاتالوگهای موزه‌ها و مجموعه‌ها ثبت شده است یا نه؟ بررسی نمونه‌های یافته شده در کتاب مرآة واردات، اهمیت ورود سکه‌شناسی به دنیای تصحیح متون را روشنتر خواهد ساخت. اکنون تلاش می‌کنیم اشارات محمد شفیع طهرانی را با تجربه‌های سکه‌شناسی بیازماییم یا به تعبیری دیگر این پرسش کلی را مطرح کنیم که محمد شفیع طهرانی در زمان نگارش این متن از چه منابعی بهره برده بود:

آیا از منابع شفاهی و گفته‌های مردم بهره برده بود؟

آیا از منابع کتبی بهره برده بود؟

آیا خود او این سکه‌ها را دیده بود؟

آیا از دکه صراف دهلوی و پیشاوری (و هر جایی که محمد شفیع در آنجاها زندگی می‌کرده) بهره گرفته بود؟

ساده انگاری است که تأکید محمد شفیع بر:

راقم این حکایات صداقت روایات، آنچه از ابتدای سنه ۱۱۰۰ یکهزار و

یکصد هجری نبوی به قید تحریر آورده، اکثر آن را به دیده عبرت بین تماشا

نموده، و آنچه از صداقت بیانان راسخ القول مسموع گشت، در تفحص احوال آن

مقدمات، کمال اهتمام مبذول داشته بعد از تحقیق راستی و درستی جرأت

نگارش فرموده... (ص ۲۶)

و شروط او در تاریخ نگاری، از جمله:

شرط نخستین آنکه به ایراد قولی نپردازد که گرد تشکک و توهم بر دامان

صدق و یقین نشست باشد... (ص ۲۴)

را دلیل پذیرش همه نوشته‌های او پنداشته و از پی‌گیری پرسشهای بالا دست

برداریم.

بیاید اشارات محمد شفیع را با اسناد دیگر سکه‌شناختی و بویژه مهمترین آنها،

کتاب راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی) ایران بسنجیم:

الف: سجع سکه محمود افغان

«بندۀ شاه ولایت محمود» در یزد و طبس (ص ۱۴۴)

سکه زد در جهان به رغم حسود وارث ملک خسروی محمود

(ص ۱۴۴)

از محمود افغان پیش از این ۶ سجع شناسانده شده بود:

- ۱: سکه شاه حسین نابود شد
 - شاه ایران عاقبت محمود شد^۹
 - ۲: دین حق را سکه بر زر کرد، از حکم اله
 - عاقبت محمود باشد پادشاه دین پناه^{۱۰}
 - ۳: سکه زد از مشرق ایران، چو قرص آفتاب
 - شاه محمود جهانگیر، سیادت انتساب^{۱۱}
 - ۴: فرو رود بزمین، ماه و آفتاب منیر
 - زرشک سکه محمود، شاه عالمگیر^{۱۲}
 - ۵: چو مهر و ماه، زر شاهنشهی محمود عالم شد
 - که نقد قلبش از فیض خدا، از غش مسلم شد^{۱۳}
 - ۶: بمحمود ارشد داد خدشاهی^{۱۴}
- و عجیب است که هیچ کدام از دو سجع گزارش محمد شفیع در میان سکه‌های یافته شده دیده نمی‌شود. شاید هنوز نمونه آن سکه‌ها به مجموعه‌های خصوصی و عمومی راه نیافته باشد.

ب: اشرف افغان

ز الطاف شاه اشرف حق شکار به زر نقش شد سکه چاریار

(ص ۱۶۵)

از اشرف افغان پیش از این ۴ سجع شناسانده شده بود:

- ۱: باشرفی اثر (دست) آنجناب رسید
- شرف ز سکه اشرف بر آفتاب رسید^{۱۵}
- ۲: دست زد بر جلاله بود گناه
- داد تغییر سکه اشرف شاه^{۱۶}
- ۳: ز الطاف شاه اشرف حق شعار
- بزر نقش شد سکه چهاریار^{۱۷}
- ۴: خورومه چون طلا و نقره از فیضش منور شد
- شرف بر آفتاب از نام اشرف بر زر شد^{۱۸}

تنها سجع سوم است که شبیه سجع گزارش شده محمد شفیع است و بنظر می‌رسد که عبارت «حق شعار» در کاتالوگ، مناسب‌تر از عبارت «حق شکار» در متن باشد.

پ: صفی میرزا پسر سلطان حسین:

سکه ز توفیق شه لافتا
ز بعد سکه طهماسب ثانی

زد صفی آن خسرو کشورگشا
صفی زد سکه صاحبقرانی

(ص ۱۶۶)

از صفی میرزا، ظاهراً پیش از این، سکه‌ای شناسانده نشده بود. اما جالب است که یکی از سجعی‌های ذکر شده، شبیه سجع سکه‌های صفی دوم (شاه سلیمان) است:
ز بعد هستی عباس ثانی
صفی زد سکه صاحبقرانی^{۱۹}

ت: طهماسب دوم پسر سلطان حسین

تعجب است که محمد شفیع از این مشروعتین وارث حکومت صفوی که بنوشته نویسنده:

امروز سراسر ممالک ایران به وجود او زینت پیرا است و آب رفته باز از موج
خیزی دم شمشیرش به جوی آمد.

هیچ سجعی نیاورده است و تنها اشاره کرده که:

پادشاه مؤید من عندالله نخست سکه و خطبه را در بلده کاشان ... گردانیده
بود.

شاید از آن بابت که مستغنی از اشاره می‌دانست.

هر چند محمد شفیع سجع هیچ کدام از سکه‌های طهماسب دوم را نیاورده، اما از او ۴
سجع سکه بجای مانده است:

- ۱: بگیتی سکه صاحبقرانی
- ۲: سکه زد طهماسب ثانی، بر زر کامل عیار
- ۳: از خراسان سکه بر زر شد، بتوفیق خدا
- ۴: غلام شاه دین طهماسب ثانی^{۲۳}

از سبک این سجع بر می‌آید که باید مصرع دوم بیتی با این متن بوده باشد:
بزد بر سکه صاحبقرانی
غلام شاه دین، طهماسب ثانی

ث: ملک محمود سیستانی:

بنده شاه ولایت محمود (ص ۱۸۶)

سکه صاحبقرانی زد، به توفیق اله کلب درگاه امیرالمومنین، محمودشاه (ص ۱۸۶)

سکه زد در مشرق ایران، چو قرص آفتاب شاه محمود جهانگیری، سیاوش انتساب (ص ۱۸۶)

از ملک محمود سیستانی، ظاهراً پیش از این سکه‌ای شناسانده نشده است.

ج: سید احمد خان پسر میرزا ابوالقاسم متولی:

سکه زد مساند قرص آفتاب سید احمد خان، خسرو مالک رقاب (ص ۱۸۸)

بنظر می‌رسد این سجع (بدلیل ثقل قافیه) درست منتقل نشده و باید اینگونه درست بوده باشد.

سکه زد مانند قرص آفتاب سید احمد، خسرو مالک رقاب از سید احمد هنوز سکه‌ای شناسانده نشده است، اما دیگر منبع دوره سقوط صفویه سجع سکه او را اینگونه آورده است:

سکه زد بر هفت کشور چتر زر چون مهر و ماه

وارث ملک سلیمان گشت احمد پادشاه

در کتاب زبور آل داوود^{۲۴} سجع مزبور به شکل زیر آمده که نادرست بوده و در بالا ذکر شد:

سکه زد بر هفت کشور چتر شد چون مهر و ماه

وارث ملک سلیمان گشت احمد پادشاه

ه: مجالس جهانگیری، سندی مهم درباره سجع سکه‌های جهانگیر شاه است. نگاهی به نمایه مقیاس‌ها و مقادیر مالی و وزن و فاصله (صص ۳۷۷ و ۳۷۸) نشان از اشارات فراوان سکه شناختی دارد. بیت الغزل اصطلاحات و اطلاعات سکه شناختی، در مجلس هشتم و ششم آن کتاب^{۲۵} است که چنین آمده:

سعیدای گیلانی صاحب عیار، چند مطلس از سیم و زردوازه ماشه و یازده

ماشه از نظر اقدس گذرانید. سخن در وزن سکه این زمان مبارک و عهد حضرت عرش آستانی [اکبرشاه] افتاد. بدین تقریب سخنان بلند و نصایح ارجمند بر زبان مقدس گذشت. از آن جمله فرمودند که سکه سوایی ما - که بر وزن سکه عرش آستانی زیادتی دارد - موقوف باشد که پی یک مصلحت عام که در فلان فایده جهانیان بوده باشد، سکه عرش آستانی را تغییر دادن لایق نمی نماید. دیگر از انصاف و عدالت ما دور است که هنوز ملک ما همان باشد و بر آن ملک افزون نشده، در وزن سکه ما زیادتی نمایند. ان شاء الله وقتی که ملک ما از ملک پدر سوایی شود، آن زمان در وزن سکه ما هم سوایی زیاده کنند. دیگر طبیعت ها بدان سکه مألوف شده عام و خاص حساب آن به آسانی می فهمند و ما که همیشه از خدا آسایش و راحت خلق خدا به جمیع وجوه خواهیم، چرا عوام در رنج حساب و خطر و از دغلی صراق در زیان باشند. خصوصاً بر صحرائشینان مشکل می شود.

حضرت را این قسم سخنان بلند بر زبان مبارک می رفت و شنوندگان را دست ها به دعای درازی عمر و دولت ایشان در هوا بود.

در سنه احد [جلوس] فرمان شده بود که طلا و نقره و مس - که به نام مبارک مسکوک می شده باشد - ده دوازده از وزن سکه عرش آشیان زیاده کرده، به این نامها می خوانده باشند:

«نور جهانی» در عوض مَهر، «نورانی» عوض دهن، «رواجی» عوض من، «جهانگیری» عوض رویه، «سلطانی» عوض درب، «روانی» عوض دام، «روان» عوض نیم دام، «رایج» عوض پا و دام. بر سکه «نور جهانی» و «نورانی» این بیت با نام و مقام در ممالک محروسه کنده می شد:

روی زر را ساخت نورانی به رنگ مهر و ماه

شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه بر سکه «روانی» و غیره نام مقام و تاریخ نقش کرده می شد. تا پنجم اردیبهشت سنه سه بهمن^{۲۶} به این طریق مسکوک می گردید. بعد از این در همین ماه حکم شد که سوایی - که عبارت از ده دوازده و نیم بوده باشد - بر وزن اکبر شاهی افزوده، زرها به سکه مبارک مزین باشد. این طریق تا دهم اردیبهشت سنه شش رواج داشت و متصدیان دارالضربهای ممالک محروسه بر این عمل می کردند.

بیتی که بر سکه آگره کنده می شد، این است:

سکه زد در شهر آگره خسرو گیتی پناه

شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

و برای تمام شهرهای ممالک همین طور بیت‌ها مقرر شده بود.

در غره ماه مهر الهی سنه شش حکم جهان مطاع صادر شد که برای هر ماه
بیتی که نام مبارک و نام عرش آستانی و نام شهر و ماه و سکه و زر در آن داخل
باشد، ترتیب دهند و برای روی سکه هر ماه طرحی دیگر قرار یافت که سکه هر
ماه به جمع وجوه ممتاز باشد. تا دهم اردیبهشت «نور جهانی» و «جهانگیری»
[به] همین طریق مسکوک می‌شد. آن بیت‌ها این است:

زد به آگره سکه شاهی به زر در مهر ماه

شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

در مه آبان به آگره سکه زد ظل اله

شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

به آگره سکه زد در ماه آذر شاه بحر و بر

شهنشاه زمان شاه جهانگیر ابن شاه اکبر

به آگره سکه زر برفروخت در دی ماه

ز نور نام جهانگیر شاه اکبر شاه

در مه بهمن به آگره سکه زد ظل اله

شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

در اسفندار مر^{۲۷} ابن سکه را در آگره زد بر زر

پناه ملک و دین شاه جهانگیر ابن اکبر پادشاه

به فروردین زر آگره فروزان گشت چون اختر

ز نور سکه شاه جهانگیر ابن شاه اکبر

به آگره در مه اردیبهشت این سکه زد بر زر

شهنشاه زمان [شاه] جهانگیر ابن شاه اکبر

در یازدهم ماه اردیبهشت سنه شش حکم شد که وزن سکه اکبر شاهی
نزدیک به فهم عوام است، بعد از این در ممالک محروسه زر با همان وزن قدیم
سکه کرده، بر یک روی «نورالدین جهانگیر شاه [ابن] اکبر شاه»، و بر روی دیگر
مقام و تاریخ جلوس و تاریخ و ماه نقش نموده به عمل در آرند. و تا این تاریخ به
همین منوال معمول است.

در مجلس ۱۰۳ نیز آگاهیهای سودمندی آمده است:

در این شب چهار کس را «نور شاهی» عنایت فرمودند: مرتضی خان، دیانت خان، خواجه جهان، مصطفی خان. «نور شاهی» مهوری است که به جای «لعل جلالی» سکه شده است. در یک طرف آن صورت پادشاه صاحب اقبال، یوسف روی، فلاطون ضمیر است و در طرف دیگر صورت آفتاب عالمتاب بالای شیر....

در سال ششم از جلوس مبارک در ماه جمادی الاول روز یکشنبه پانزدهم امرداد الهی وقتی که حضرت نیر اعظم نور افروز عالم در وسط حقیقی برج اسد بود «نور شاهی» سکه شده است. عجب ساعت فرخنده و هنگام مسعود بود که زر به نام این طور پادشاه به استحقاق روز یکشنبه که آفتاب در وسط اسد، طلایی کامل العیار... مسکوک شد و نام مبارک این زر «نور شاهی» مقرر گردید و حکم شد که بالفعل هزار «نور شاهی» به نام نامی آن حضرت در دولت خانه مزین گردید. آن روز یک صد و هفت «نور شاهی» مسکوک گردید....

اما مصححان در شرح و تحشیه این همه آگاهی‌های مفید سکه‌شناختی، تنها دو یادداشت ۱۰ و ۸ سطری آورده که بنقل از دو کتاب جهانگیرنامه و مآثر جهانگیری به این نتیجه مهم رسیده‌اند که «جهانگیر به ضرب سکه بینهایت علاقه داشت...»^{۲۸}

سجع مهر نیز داستان دیگری دارد که باید با بهره‌گیری از دانش «مهرشناسی» در کشف آن کوشید و در کتاب مرآة واردات نیز نمونه‌ای دارد.
اشرف افغان:

شهی کر لطف ایزد بر رواج دین مشرف شد

چو شاهان جهان القاب او نواب اشرف شد
(ص ۱۶۵)

بدیهی است که اصالت متن مهر یاد شده را در نمونه‌سند های صادره از سوی اشرف افغان باید یافت.

از دیگر مواردی که ناآشنایی با سکه‌شناسی در تصحیح متن اثر می‌گذارد، برداشت حقیقی از تعبیرات مجازی نویسندگان و شاعران است. نمونه آن:

«هر که را که همچو نرگس شش درم در کف بود، پای قدح آن را مصرف نمودی»^{۲۹}

که ممکن است مصحح یا خواننده گمان برد بهای هر قدح شش درهم بوده، اما مقصود نویسنده از شش درهم، شش گلبرگ گل نرگس است. و گرنه در زمان خنجی (اواخر سده نهم هجری) سکه شش درمی وجود خارجی نداشت. شش درم برابر یک دینار غازی بود و این دینار از اوایل حکومت تیموری نیز وجود خارجی نداشته و تنها ارزش محاسباتی داشت.

ارتباط بین سکه‌شناسی و متن پژوهی، دو طرفه است و سکه‌شناس نیز از تصحیح و متن پژوهی بی‌نیاز نیست. نمونه خوب را در بالاتر نشان دادیم که رابینو و به تبع او فرح‌بخش، اشاره متنی زبور آل داوود را با نمونه‌های موزه‌ای درهم آمیختند.

بنظر می‌رسد ورود دانش سکه‌شناسی به محدوده متن‌شناسی و تصحیح متن، ناگزیر و شاید این نوشته تلنگری در توجه بیشتر بدان باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. - سکه‌ها، آینه گذشته‌ها تاریخ‌شناسی (کتاب درسی دوره پیش‌دانشگاهی).
- آینه پژوهش، عضدالدوله دیلمی و رویه‌های هندی، ش ۳۲، خرداد - تیر ۱۳۷۴ ش.
- مشکل رو و پشت سکه‌های اسلامی، باستانشناسی و تاریخ، ش ۲۱-۲۲، ۱۳۷۵-۱۳۷۶ ش.
- ویژگیهای بازرگانی خلیج فارس در پرتو یافته‌های نوین سکه‌شناسی، پیام بانک، ش ۱۷۴-۱۷۵-۱۷۸-۱۷۹، ۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲، شهریور - آذر.
- بازسازی دستگاه ضرب سکه در دوره ایلخانان: نمونه سکه بکروی ابوسعید، خلاصه مقالات همایش فرهنگ و تمدن ایران عصر ایلخانی، تیریز ۱۳۸۴/۲/۲۸.
۲. سوانح الافکار رشیدی، ص ۱۶۷.
۳. و وای بر زمانی که این «داغ عبودیت» را هم جدی بگیریم.
۴. ص ۶۴.
۵. جلد دوم، جزء اول، ص ۱۲۶.
۶. تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹ ش، ص ۵۷.

7. Rabino, p. 47.

۸. ص ۶۱۶.
۹. راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی) ...، ص ۵۵.
۱۰. همانجا.
۱۱. همانجا.
۱۲. همانجا.
۱۳. همانجا.

۱۴. همانجا.
 ۱۵. راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی)... ص ۵۷.
 ۱۶. همانجا.
 ۱۷. همانجا.
 ۱۸. همانجا.
 ۱۹. راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی)... ص ۳۵.
 ۲۰. راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی)... ص ۴۶.
 ۲۱. همانجا.
 ۲۲. همانجا.
 ۲۳. همانجا.
 ۲۴. بنگرید بالاتر.
 ۲۵. صص ۲۱۱ تا ۲۱۳.
 ۲۶. بنظر می‌آید «بهمین» درست بوده، بجای به این که اضافه است، و در چند جای بعدی نیز تکرار شده است.
 ۲۷. بنظر می‌آید «اسفندارمذ» صحیح تر از اسفندار مر باشد.
 ۲۸. ص ۳۳۵.
 ۲۹. عالم آرای امینی.

منابع

- جواهر الاخبار، پیر بوداق منشی، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ ش.
 راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی) ایران از سال ۹۰۰ تا ۱۲۹۶ هجری قمری (۱۵۰۰-۱۸۷۹) میلادی، هوشنگ فرح‌بخش، برلن غربی، ۱۳۵۴.
 زبور آل داوود، سلطان هاشم میرزا، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹ ش.
 سوانح الافکار رشیدی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، به کوشش دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۵۸ ش.
 عالم آرای امینی، به کوشش محمداکبر عشیق، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش.
 کلیات نجیب کاشانی، نجیب کاشانی، به کوشش اصغر دادبه و مهدی صدری، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش.
 مجالس جهانگیری، عبدالستار بن قاسم لاهوری، بتصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۵ ش.
 مرآه واردات، محمد شفیع تهرانی، به کوشش منصور صفت‌گل، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش.

Coins of Shahs of IRAN, Rabino, H. L. 2nd ed., Tehran, 1970.